

تأثیر کسب و کارهای دانش بنیان بر رشد اقتصادی کشور

ناهید انتظاریان - دبیر شورای هماهنگی مدیران وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در خراسان رضوی

چکیده:

اقتصاد یک کشور وقتی شکوفا می‌شود که بستر لازم برای نوآوری و حضور در بازارهای رقابتی جهانی فراهم شود. حرکت به سوی نوآوری و ایجاد تغییر در ترکیب محصولات و خدمات در قلمرو فعالیت های یک کسب و کار دانش بنیان قرار دارد. این کسب و کارها در تبیین و مدل سازی فرایندهای تولید، تحقیق و توسعه، غنی سازی علمی و فنی، آموزش، پرورش و توسعه انسانی، انتقال دانش و نشر و اشاعه نوآوری در کشور نقش مهمی ایفاء می کنند. در کسب و کارهای دانش بنیان، رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال، متناسب با ظرفیت نوآوری تحقق می یابد. بدین معنی که دستاوردهای تحقیق و توسعه به طور پیوسته از طریق سرمایه گذاری به محصول، فرایند و یا سیستم های نوین تبدیل می گردد و دسترسی به ظرفیت های سرمایه گذاری برای کارآفرینان و پژوهشگران افزایش یافته، و این عامل مهمی در ایجاد نوآوری و بهره برداری از توان فناوری در اقتصاد ملی است. بنابراین براساس مشاهده ارتباط ساختاری بین اقتصاد دانش محور و توسعه اقتصادی، مقاله حاضر درصدد است ضمن تبیین ویژگی های کسب و کارهای دانش بنیان، و بررسی این که آیا رابطه ای بین پیشرفت و رشد علمی کشور با رشد اقتصادی وجود دارد یا خیر، تأثیری که کسب و کارهای دانش بنیان می توانند بر رشد اقتصادی کشور داشته تبیین، و راهکارهایی را جهت راه اندازی و توسعه این کسب و کارها در کشور ارائه نماید.

محیط کسب و کار همگام نموده و برای بقاء در محیط های رقابتی تلاش می کنند. به اعتقاد کلارک (۲۰۰۱)، هر اندازه که بنگاه اقتصادی دانش بنیان از دانش در ساختار خود بیشتر استفاده کند بر ارزش آن افزوده شده و چرخه تکامل یافته تری از بالندگی به وجود می آورد. کسب و کارهای دانش بنیان نقش کلیدی در ایجاد و توسعه اقتصاد دانش محور دارند. در کسب و کارهای دانش بنیان، رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال، متناسب با ظرفیت نوآوری تحقق می یابد. بدین معنی که دستاوردهای تحقیق و توسعه به طور پیوسته از طریق سرمایه گذاری به محصول، فرایند و یا سیستم های نوین تبدیل می گردد و دسترسی به ظرفیت های سرمایه گذاری برای کارآفرینان و پژوهشگران افزایش یافته، و این عامل مهمی در ایجاد نوآوری و بهره برداری از توان فناوری در اقتصاد ملی است. بنابراین براساس مشاهده ارتباط ساختاری بین

واژگان کلیدی: کسب و کارهای دانش بنیان، رشد اقتصادی، اقتصاد دانش بنیان،

مقدمه:

در دنیای پرتحول امروز، دانش و نوآوری اساسی ترین عامل پیشرفت در عرصه های صنعتی و اقتصادی محسوب می گردد. اقتصاد یک کشور وقتی شکوفا می شود که بستر لازم برای نوآوری و حضور در بازارهای رقابتی جهانی فراهم شود. حرکت به سوی نوآوری و ایجاد تغییر در ترکیب محصولات و خدمات در قلمرو فعالیت های یک کسب و کار دانش بنیان قرار دارد. از این رو کسب و کارهای دانش بنیان نقش مهمی در اثربخشی تولید، تبلور دانش در محصولات و خدمات جدید، ارتقاء سطح اقتصاد و رفاه، تولید ثروت و ارزش افزوده در یک جامعه ایفا می کنند. این کسب و کارها بیشتر از سایر بنگاه های اقتصادی خود را با تغییر و تحولات نوظهور در

آفرینی هستند. شرکت های کوچک بیش از ۹۰ درصد اقتصاد بسیاری از کشورها را شامل می شوند. این شرکت های کوچک با صادرات قابل توجه خود نقش موثری را در توسعه اقتصادی کشورشان ایفا می کنند. در ایران نیز بنگاه های صنعتی کوچک ۹۶ درصد کل صنعت کشور را شامل می شوند.

ویژگی های کسب و کارهای دانش بنیان

ایده های نو (ایده محوری)، قابلیت تجاری بودن ایده و رقابت پذیر بودن از ویژگی های اساسی کسب و کارهای دانش بنیان می باشد، که در ادامه به هریک از آنها پرداخته می شود:

ایده های نو (ایده محوری)

ایده پردازی مقدمه فرایند نوآوری بوده، و تولید ایده های جدید یک منبع مهم نوآوری در داخل سازمان است. در این بین علاوه بر این که کسب و کارهای دانش بنیان از دارایی های دانشی خود به عنوان مزیت رقابتی استفاده می کنند، سودشان نتیجه تجاری سازی ایده ها و نوآوری های جدیدی است که حاصل تعامل دارایی های فیزیکی و سرمایه دانشی است، و شامل سرمایه های انسانی، ساختاری و رابطه ای می گردد. بنابراین مدیران کسب و کارهای دانش بنیان به خوبی واقفند که دارایی های دانشی بنگاه شان، روز به روز نقش مهم تری در بقای کسب و کار آنها ایفا می کند (sandstorm & Bjork, ۲۰۰۸). در شرکت های دانش بنیان از آنجا که مجموعه ای از مهارت ها، توانایی ها و افراد متخصص در کنار هم هستند خلاقیت و نوآوری در این شرکت ها در اوج قرار می گیرد، و این امر در توسعه فن آوری و رونق اقتصادی جامعه نقش اساسی ایفا می کند.

قابلیت تجاری بودن ایده ها

از آنجا که به بازار رسانیدن یک محصول تضمین کننده موفقیت و بقای سازمان ها می باشد، تجاری سازی به عنوان یک عامل حیاتی فرایند تبدیل فناوری به محصولات موفق اقتصادی مطرح می شود (الهیاری فرد و عباسی، ۱۳۹۰). در فرایند تجاری سازی فناوری عوامل متعددی موثرند که عبارت است از: فرصت ها، ایده، خلاقیت و نوآوری، طرح تجاری کسب و کار، مجوزها، سرمایه انسانی، شرکت، کالاها و خدمات، نام تجاری.

فرصت ها در حقیقت اولین مینا برای تولید کالاها و خدمات قابل ارائه در آینده هستند، فرصت ها پیدا نمی شوند بلکه ایجاد می شوند و پایدار و همیشگی نیستند. فرصت ها به پنج گروه خلق

اقتصاد دانش محور و توسعه اقتصادی، مقاله حاضر درصدد است ضمن بررسی تاثیر کسب و کارهای دانش بنیان بر رشد اقتصادی کشور، راهکارهایی را جهت راه اندازی و توسعه این کسب و کارها در کشور ارائه نماید.

ضرورت راه اندازی و توسعه کسب و کارهای دانش بنیان

دانش به عنوان یکی از نیروهای بسیار موثر در تحولات اقتصادی و اجتماعی به شمار می آید و به عنوان یک کالای عمومی محسوب می گردد، زیرا می توان دانش را بدون کاهش و استهلاک با دیگران به مشارکت گذاشت. در عین حال، این یک مشخصه منحصر به فرد برای این کالای عمومی محسوب می شود که برخلاف سایر کالاها فیزیکی (مثل سرمایه، دارایی های مادی و منابع طبیعی) استفاده از آن از کمیت آن نمی کاهد و می توان از آن بارها استفاده کرد. به این ترتیب، دانش به عنوان یک منبع دائمی همواره در اختیار بنگاه های اقتصادی قرار گرفته و با مشارکت مکرر در فرایندهای گوناگون تولیدی و خدماتی، سبب افزایش مزیت رقابتی و ایجاد ارزش افزوده و توسعه پایدار می شود.

کسب و کارهای دانش بنیان بنگاه های اقتصادی هستند که با خلق دانش و نوآوری جهت ایجاد ارزش در محیط رقابتی به فعالیت مشغول هستند. به اعتقاد سویبی (۲۰۰۱)، ارزش آفرینی برای مشتریان و مدیریت آن یکی از عوامل کلیدی موفقیت و بقای این کسب و کارها می باشد. همچنین این کسب و کارها در تبیین و مدل سازی فرایندهای تولید، تحقیق و توسعه، غنی سازی علمی و فنی، آموزش، پرورش و توسعه انسانی، انتقال دانش و نشر و اشاعه نوآوری در کشور نقش مهمی ایفا می کنند.

براساس مطالعات انجام گرفته توسط APEC^۱ پایدارترین اقتصادها در جهان مربوط به اقتصادهای دانش محور است و در این میان کسب و کارهای کوچک دانش بنیان موتور محرک و توسعه این اقتصادها هستند. براساس بررسی های انجام شده نوآوری ها و پیشرفت های صنعتی طی دهه های اخیر در سطح جهان حاصل فعالیت های نوآورانه کسب و کارهای کوچک نوآور و دانش محور بوده است. علاوه بر این محققین، اشتغال در بنگاه های کوچک بویژه شرکت های فناوری را در دوران رکود و التهاب اقتصادی، پایدارتر از اشتغالی می دانند که توسط بنگاه های بزرگ ایجاد شده است (فخاری، سلیمانی و دارایی، ۱۳۹۲). امروزه در اکثر کشورهای جهان صنایع کوچک و متوسط، از جنبه های مختلف اقتصادی، اجتماعی، تولید صنعتی و ارائه خدمات در حال نقش

1. APEC: Asia- Pacific Economic Cooperation

یا کشف مواد خام، ابداع روش های جدید در تولید، راه های نوین در سازماندهی، ابداع کالایی جدید و کسب بازار جدید تقسیم می شوند. یکی از ویژگی های مهم کسب و کارهای دانش بنیان فرصت گرایی آنهاست، که به طور دائم در محیط دور و نزدیک در جستجوی فرصت ها هستند.

رقابت پذیر بودن

سازمان های امروز به طور دائم در تلاشند تا خود را از رقبایشان متمایز سازند. در این میان شرکت های دانش بنیان دارای قابلیت های مهمی چون رقابت مثبت، زایش و توسعه هستند و متناسب با اقتصاد در حال رشد می باشند. مهمترین ویژگی یک سازمان دانش بنیان، پایداری آن در مقابل تحولات جهانی است. توان رقابتی این شرکت ها به عوامل زیادی از جمله به توانمندی های فناوری آنها بستگی دارد. توسعه شرکت های دانش بنیان بخاطر نوآوری در فناوری است که منجر به رقابت می شود. این شرکت ها بازارهای جدید با ارائه فناوری های نوین تسخیر می کنند. شرکت های دانش بنیان توانمندی ویژه ای در استفاده از فناوری برای رشد سریع دارند (سروری، ۱۳۹۱).

تاثیر کسب و کارهای دانش بنیان بر رشد اقتصادی از منظر اقتصاد دانش بنیان

افزایش ظرفیت تولید همواره مورد توجه اقتصاددانان بوده و یکی از معیارهای عملکرد کلان اقتصادی می باشد. مطالعات اولیه به طور عمده بر نقش اساسی عوامل فیزیکی تولید مانند سرمایه فیزیکی و نیروی کار در فرایند تولید تاکید دارند، اما با مفهوم سرمایه (شامل سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی)، عوامل موثر دیگری نیز در جریان رشد اقتصادی شناسایی شدند. یکی از این عوامل، بهره وری منابع تولید است که تحت تاثیر عوامل متعددی از جمله دانش قرار می گیرد. در نتیجه می توان از کسب و کارهای دانش بنیان به عنوان عامل مهمی در افزایش بهره وری و رشد اقتصادی نام برد. مطالعات نشان می دهد آموزش و منابع انسانی، نظام ابداعات و اختراعات، زیر ساخت های اطلاعات، و نظام های اقتصادی و نهادی محورهای اثر گذار بر رشد اقتصادی از منظر اقتصاد دانش بنیان هستند (بهبودی و امیری، ۱۳۸۹)، که در ادامه تاثیر هر یک جداگانه بیان می گردد:

آموزش و منابع انسانی:

سرمایه انسانی دارای اثر مثبت بر رشد اقتصادی است و انباشت دانش و مهارت نیروی کار، منجر به افزایش درآمد سرانه در طول زمان می شود. مطالعات تجربی و نظری بر نقش آموزش در ارتقای قابلیت نوآوری (ایده های جدید، محصولات جدید و فن آوری های جدید) افراد و نیز سازگاری با فناوری های جدید به منظور سرعت بخشیدن به رشد اقتصادی تاکید کرده اند (نیلی و نفیسی، ۱۳۸۲). نیروی کار آموزش دیده و ماهر، نیاز اساسی یک جامعه برای خلق، کسب، انتشار و استفاده از دانش است. آموزش باعث می شود که افراد دائماً در حال کسب دانش های جدید و یا ارتقای دانش موجود باشند. این کار باعث افزایش بهره وری و متعاقب آن افزایش رشد اقتصادی می شود.

کوزنتس برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۷۱، اعتقاد داشت که سرمایه انسانی یک کشور صنعتی پیشرفته، ابزارها و ادوات صنعتی آن کشور نیست، بلکه، اندوخته دانش هایی است که از آزمایش به دست آمده و کارآموختگی افراد آن کشور برای بکار بردن این دانش هاست. وی معتقد بود که سرمایه گذاری در آموزش، منبع مهمی برای تشکیل سرمایه انسانی، نظیر توانا ساختن نیروی کار و پیشرفت دانش فنی در تولید محسوب می شود و سرمایه انسانی را عامل مهمی در توسعه اقتصادی کشور به حساب می آورد (صادقی و عمادزاده، ۱۳۸۲).

نظام ابداعات و اختراعات

نظام ابداعات و اختراعات شامل شبکه ای از موسسات، قوانین و فرایندهایی است که بر روش های خلق، کسب، انتشار و استفاده از دانش تاثیر می گذارد. این نظام می تواند محیطی را ایجاد کند که در آن بخش تحقیق و توسعه پرورش

یابد. این کار باعث افزایش ابداعات (کالاهای جدید، فرایندهای تولیدی جدید و دانش جدید) و به دنبال آن باعث افزایش بهره وری و رشد اقتصادی می شود. همچنین تحقیق و توسعه و اثر سرریز آن در سطح داخلی و بین المللی از طریق ابداع و نوآوری موجب پیشرفت فناوری شده و رشد اقتصادی را تسهیل می کند (بهبودی و امیری، ۱۳۸۹).

زیرساخت‌های اطلاعات

زیرساخت‌های اطلاعاتی استخوان بندی یک اقتصاد دانش بنیان است و می تواند بطور موثری فرایندهای ارتباطی و اطلاعاتی و کسب و انتشار دانش را تسهیل کند. این جنبه می تواند با کاهش هزینه های استفاده، کاهش عدم اطمینان، کاهش هزینه های مبادلات و غلبه بر محدودیت های مکانی، میزان و سرعت انتقال اطلاعات و فناوری را افزایش داده و باعث افزایش بهره وری و رشد اقتصادی شود.

نظام های اقتصادی و نهادی

متغیرهای این بخش، هدایت کنندگی محیط کسب و کار را برای تولید و توزیع نشان می دهند. این کار باعث می شود که استفاده از دانش در سیاست گذاری های اقتصادی بیشتر نمود پیدا کند که به نوبه خود منجر به ایجاد محیطی شفاف و باثبات برای فعالیت های اقتصادی شده که باعث تخصیص بهینه منابع و انجام داد و ستدهای بیشتر می شود. این محور باید منابع را از بخش های ناکارا به بخش های کارا هدایت کند و با ارائه مشوق هایی برای استفاده کارآ از دانش موجود، کسب دانش جدید و تلفیق کاربرد دانش های موجود با دانش جدید، موجب افزایش بهره وری و رشد اقتصادی شود.

تجزیه و تحلیل عوامل تعیین کننده رشد اقتصادی ایران

تفاوت های گسترده در نرخ رشد اقتصادی کشور ها باعث شده است که اقتصاددانان مطالعات عمده ای را در مورد عوامل اثرگذار بر الگوهای رشد انجام دهند. مطالعات اولیه، مختلف بودن نرخ های رشد اقتصادی در میان کشورها را در متفاوت بودن عوامل پایه ای تولید و فناوری می دانند. اما بررسی های جدید نشان داده اند که عوامل و سازوکارهای درونی یک اقتصاد (مانند سرمایه انسانی و تحقیق و توسعه) می تواند در کنار سرمایه و فناوری، رشد اقتصادی را تحت تاثیر قرار دهد (صلواتی سرچشمه، مداح، ۱۳۸۷). امروزه رشد اقتصادی براساس مجموعه ای از سازوکارهای درونی اقتصاد مانند توسعه سرمایه انسانی، ارتقاء بهره وری، تحقیق و توسعه، و هزینه های با کیفیت دولت اتفاق می افتد.

در مدل های رشد اقتصادی به نقش تحقیق و توسعه، و دانش به عنوان موتور رشد اقتصادی تاکید شده است. تحقیق و توسعه از دو راه می تواند به رشد اقتصادی کمک نماید. اول آنکه، تحقیق و توسعه اجازه می دهد تا کالاهای سرمایه ای جدید معرفی گردد که ممکن است نقش بیشتر و بهتری در تولید، نسبت به کالاهای سرمایه ای موجود داشته باشند. کمک دوم تحقیق و توسعه بر رشد اقتصادی این است که باعث ایجاد اثرات جانبی در موجودی علم و دانش می شود. موجوی بیشتر علم و دانش، به نوبه خود باعث کاهش هزینه های تحقیق و توسعه می شود. یکی از یافته های جالب این مدل آن است که رشد درون زا اقتصادی می تواند از طریق انباشت دانش و بدون سرمایه گذاری در کالاهای سرمایه ای فیزیکی ایجاد شود. جدول زیر روند رشد اقتصادی ایران را از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۹۱ نشان می دهد.

جدول شماره (۱) رشد محصول ناخالص داخلی ایران به قیمت بازار از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۹۱

سال	رشد با نفت	رشد بدون نفت
سال ۱۳۷۱	۴,۷۹	۵,۶۹
سال ۱۳۷۲	۴,۹۴	۵,۵۳
سال ۱۳۷۳	۲,۵	۴,۲۸
سال ۱۳۷۴	۱,۸۶	۲,۲
سال ۱۳۷۵	۷,۶۸	۸,۶۴
سال ۱۳۷۶	-۰,۱۶	۰,۶۵
سال ۱۳۷۷	۴,۳	۴,۶۹
سال ۱۳۷۸	۲,۰۳	۳,۱۳
سال ۱۳۷۹	۷,۴۳	۸,۲۲
سال ۱۳۸۰	۵,۴۸	۶,۴۶
سال ۱۳۸۱	۸,۷۵	۱۰,۱۳
سال ۱۳۸۲	۷,۹۲	۷,۱۷
سال ۱۳۸۳	۶,۹۶	۷,۵۱
سال ۱۳۸۴	۶,۱۹	۶,۵۱
سال ۱۳۸۵	۷,۳۲	۷,۳۲
سال ۱۳۸۶	۷,۸۴	۷,۹۶
سال ۱۳۸۷	۰,۸۳	۱,۲۳
سال ۱۳۸۸	۳,۱۶	۳,۸۷
سال ۱۳۸۹	۶,۳۸	۷,۱۲
سال ۱۳۹۰	۳,۲	۳,۴
سال ۱۳۹۱	-۵,۴	-۳,۱

منبع: مرکز آمار ایران

جدول فوق روند رشد اقتصادی ایران را از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۹۱ نشان می‌دهد که تایید می‌کند رکورد منفی شدن نرخ رشد اقتصادی ایران در سال ۱۳۹۱ شکسته شده است. پیش از این در سال ۱۳۷۶ به واسطه افت شدید درآمدهای نفتی دولت و بدهی سنگین دولت، رشد اقتصادی ایران منفی ۱۶ درصد شده بود. متأسفانه در ایران امروز اتکای بیش از اندازه به

درآمدهای نفتی و بی توجهی به ارتقای کیفیت نیروی انسانی از طریق آموزش موجب شده که رشد اقتصادی کشور مورد تردید جدی قرار گیرد. زیرا، افزایش مداوم تولید و پایداری آن در گرو بهره وری نیروی کار و تحول فناوری امکانپذیر است و تنها وسیله رسیدن به این هدف، آموزش مستمر جهت افزایش کارایی و سطح مهارت افراد است.

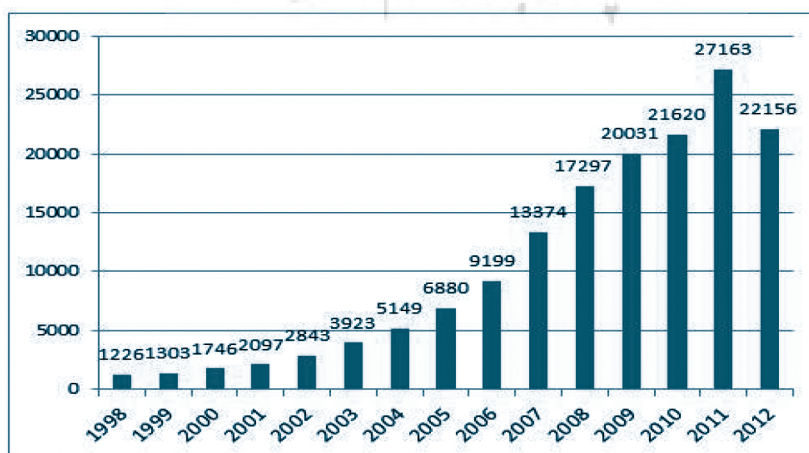
راه اندازی و توسعه کسب و کارهای دانش بنیان و اقتصاد دانش بنیان با پیشرفت علمی جوامع نیز مرتبط است. بررسی کشورهای پیشرفتهی اقتصادی نشان می‌دهد که پیشرفت علمی آن‌ها همبستگی شدیدی با پیشرفت اقتصادی آنها دارد و جدول شماره (۲) به خوبی این واقعیت را نشان می‌دهد. همان گونه که در این جدول مشاهده می‌شود، کشورهایی با درآمد بالا نزدیک به ۱۶ درصد از جمعیت دنیا را در اختیار دارند. به همین صورت، این کشورها نزدیک به ۸۰ درصد از علم دنیا را تولید می‌کنند. در این جدول به خوبی آشکار است که با وجود آن که کشورهای کم درآمد نزدیک به ۱۸ درصد جمعیت دنیا را در اختیار دارند، تنها ۰٫۷ درصد از کل علم دنیا را تولید می‌کنند.

جدول شماره (۲): وضعیت تولید علم و جمعیت کشورهای دنیا بر حسب درجه اقتصادی

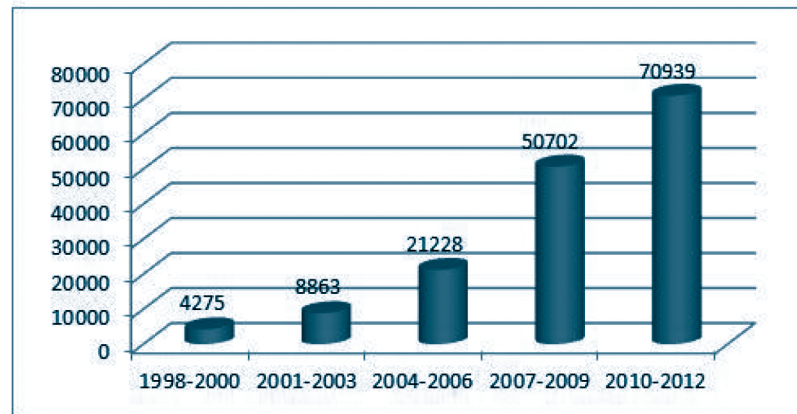
نوع اقتصاد	تعداد تولید علم	جمعیت	تعداد کشور	سهم تولید علم	سهم جمعیتی
پدرآمد	۲۰۷۲۱۱۹۷	۱۰۴۷۰۲۹۰۰۰	۵۵	درصد ۷۹٫۸۸	درصد ۱۵٫۵۹
درآمد متوسط پایین	۲۸۳۳۱۰۴	۳۵۹۱۴۱۰۰۰۰	۴۸	درصد ۱۰٫۹۲	درصد ۵۳٫۴۹
درآمد متوسط بالا	۲۲۰۹۴۹۹	۸۳۶۴۹۳۰۰۰	۳۳	درصد ۸٫۵۲	درصد ۱۲٫۴۶
کم درآمد	۱۷۷۵۱۱	۱۲۳۹۱۸۱۰۰۰	۴۵	درصد ۰٫۶۸	درصد ۱۸٫۴۶
	۲۵۹۴۱۳۱۱	۶۷۱۴۱۱۳۰۰۰	۱۸۱	درصد ۱۰۰	درصد ۱۰۰

اما در کشور ما با وجود آن که تولیدات علمی ایران در ۱۵ سال گذشته (نمودار شماره ۱) روندی رو به رشد داشته، و نیمی از تولیدات علمی کشور متعلق به سه سال گذشته است (نمودار شماره ۲)، متأسفانه رشد اقتصادی مطلوب نبوده است.

نمودار شماره (۱): میزان تولید علم ایران به تفکیک سال



نمودار شماره (۲): مقایسه میزان تولید علم ایران در دوره های سه ساله از سال ۱۹۹۸



لذا با وجود رشد و پیشرفت علمی ایران در سال‌های اخیر و در راستای آن ایجاد پارک‌های علمی و فناوری، مراکز رشد و مراکز کارآفرینی در دانشگاه‌ها، تاسیس بنگاه‌ها و شرکتهای اقتصادی دانش بنیان و راه اندازی کسب و کارهای دانش بنیان در کشور، متأسفانه حرکت به سمت اقتصاد دانش بنیان شتاب مناسبی نداشته است. لذا می‌توان گفت با توجه اهمیت و نقشی که کسب و کارهای دانش بنیان در رشد اقتصادی کشورها، بویژه کشورهای پیشرفته دارند، در کشور ما هنوز به جایگاه واقعی و اساسی خود دست نیافته‌اند و باید جهت راه اندازی، توسعه و ترویج کسب و کارهای دانش بنیان تلاش جدی‌تری صورت گیرد و حمایت‌های لازم از ایجاد این‌گونه کسب و کارها جهت گسترش و رشد کمی و کیفی آنها انجام شود تا کسب و کارهای دانش بنیان به جایگاه اصلی خود در بازار کار و اقتصاد راه یابند و نقش مطلوب خود را جهت رشد اقتصادی کشور ایفا نمایند. لذا در ادامه راهکارهایی جهت راه‌اندازی کسب و کارهای دانش بنیان در کشور ارائه می‌گردد:

پیشنهاداتی جهت توسعه و راه اندازی کسب و کارهای دانش بنیان در کشور

عوامل مختلفی بر رشد و توسعه کسب و کارهای دانش بنیان تاثیر دارند. این عوامل با توجه به ماهیت کسب و کارهای دانش بنیان متفاوت از سایر کسب و کارها می‌باشند. دانش فنی، نیروی انسانی متخصص، و حمایت موثر دولت در ابتدای تشکیل این قبیل از کسب و کارها از عوامل مهم موثر در توسعه آنها به شمار می‌آیند. برخی دیگر از عواملی که در توسعه کسب و کارهای دانش بنیان موثرند عبارت است از:

- * تدوین خط مشی‌های دولتی شامل جو حمایتی تجارت، نظام حقوقی، نظام مالیاتی و خط مشی‌های تنظیمی مناسب
- * فراهم نمودن زیرساخت‌های مناسب شامل ارتباطات از راه دور، فناوری اطلاعاتی و ارتباطی، شبکه‌های علمی.
- * تامین منابع مالی مطلوب شامل سرمایه‌گذاران ریسک‌پذیر، سرمایه‌گذاری خارجی و بودجه‌های دولتی در راستای راه اندازی کسب و کارهای دانش بنیان
- * حاکم کردن تفکر نوآوری، ابداع و خلاقیت در نظام آموزشی به جای محفوظات، برای تشویق نیروهای جوان کشور به فعالیت‌های کارآفرینی و راه اندازی کسب و کارهای دانش بنیان
- * توجه دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی به تحقیقات بنیادی به عنوان پایه و اساس تولید علم و به کارگیری مبانی علمی در توسعه فناوری
- * برقراری ارتباط نظام‌مند مناسب دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی با پارک‌های علم و فناوری و سایر بخش‌های اقتصادی و اجتماعی، و نیز دولت
- * اقدام برای ایجاد مراکز پیشرفته کسب و کارهای کوچک دانش بنیان با کمک سازمانهای متولی و صنایع مربوطه و هدایت خروجی این مراکز به مراکز رشد

- * ایجاد همبستگی نسبی میان تحقیقات با اهداف توسعه، تحول رشته های دانشگاهی نسبت به روند تحول فناوری، و آینده نگری و اصالت بخشی به تحقیقات
- * تلاش در جهت جذب محققان ایرانی خارج از کشور با حمایت دولت و بهره گیری مناسب از تحقیقات جهانی و ایجاد پایگاه اطلاع رسانی و ارتباطات
- * ارائه آموزش های مناسب برای توسعه، پرورش ذهنیت برای افزایش خلاقیت و استفاده از دانایی ها برای خلق ارزش ها.
- * باید تلاش گردد سهم قابل توجهی از تولید ملی سرانه در رشته فعالیت های دانش پایه و دانش ساز مانند صنایع دارای فناوری برتر، خدمات مالی و تجاری پیشرفته و کارآمد، بویژه فعالیت های آموزشی و پژوهشی تخصصی تولید گردد.
- * همچنین دانش موجود در محصولات و خدماتی که از لحاظ محتوای دانشی غنی ترند، تعیین کننده قیمت محصولات مشابه که دارای دانش بری کمتر هستند باشد.

نتیجه گیری

با توجه به نتایج مطالعه انجام گرفته، بنا بر نظریات پذیرفته شده در علم اقتصاد، دانش همواره به عنوان یکی از اهرم های اساسی رشد اقتصادی مورد توجه بوده است. امروزه یکی از مظاهر و شاخص های اصلی توسعه یافتگی دستیابی به اقتصاد دانش بنیان است. در کشور ما نیز با توجه به پیشرفت های علمی صورت گرفته فرصتی مناسب جهت حرکت به سوی اقتصاد دانش بنیان ایجاد شده است. بنابراین در صورت برنامه ریزی صحیح امکان ایجاد و رشد کسب و کارهای دانش بنیان و در نتیجه جهت گیری اقتصاد کشور به سمت اقتصاد دانش بنیان و افزایش تولید ناخالص ملی فراهم خواهد آمد.

لذا تاکید بر ایجاد و راه اندازی کسب و کارهای دانش بنیان و حمایت از آنها، تسهیل و تشویق بهره گیری از تحقیقات کاربردی و یافته های علمی در فرایند جهانی شدن تولید و تجارت، باید به عنوان تدبیر عملی و اساسی جهت رشد اقتصادی در کشور مورد توجه سیاستگذاران و مسئولین در حوزه های اقتصادی و اجتماعی و بازار کار و اشتغال قرار گیرد.

مراجع

۱. بهبودی، داوود، امیری، بهزاد، «رابطه بلند مدت اقتصاد دانش بنیان و رشد اقتصادی در ایران»، فصلنامه سیاست علم و فناوری، ۱۳۸۹، سال دوم، شماره ۴، ص: ۲۳-۳۲.
۲. سروری، زهرا، «ارائه مدلی مفهومی از شرکت های دانش بنیان»، کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان، ۱۳۹۱، دانشگاه مازندران.
۳. صادقی، مسعود، عمادزاده، مصطفی، «برآورد سهم سرمایه انسانی در رشد اقتصادی ایران طی سالهای ۱۳۴۵-۱۳۸۰»، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، ۱۳۸۲، شماره ۱۷، ص: ۷۹-۹۸.
۴. صلواتی سرچشمه، بهرام، مداح، معصومه، «کاربرد مدل ARC در گزارش دهی سرمایه های دانشی موسسات دانش بنیان»، فصلنامه تخصصی پارک ها و مراکز رشد، ۱۳۸۷، شماره ۱۵، ص: ۴۱-۴۷.
۵. فخاری، حسین، سلیمانی، داوود، دارابی، محمدرضا، «بررسی اثرات تحریم های اقتصادی بر عملکرد شرکت های دانش بنیان کشور»، فصلنامه سیاست علم و فناوری، ۱۳۹۲، سال پنجم، شماره ۳، ص: ۱-۱۶.
۶. نیلی، مسعود، نفیسی، شهاب، «رابطه سرمایه انسانی و رشد اقتصادی با تاکید بر نقش توزیع تحصیلات نیروی کار مورد ایران سال های ۱۳۴۵-۱۳۷۹»، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، ۱۳۸۲، شماره ۱۷، ص: ۱-۳۱.

7. Clark, T. (2001). The Knowledge economy. Education Training Journal, 43, 189-196.
8. Sandstorm, S. Elizabeth, D. Kieiner, B (1995). How to Train people to think more creatively, Journal of Management Development Review, vol. 8 No. 6, PP.28-33.
9. Sveiby, k. (2001). A knowledge-based theory of the firm to guid in strategy formulation. Journal of intercultural capital, 2 (4), 344-358.